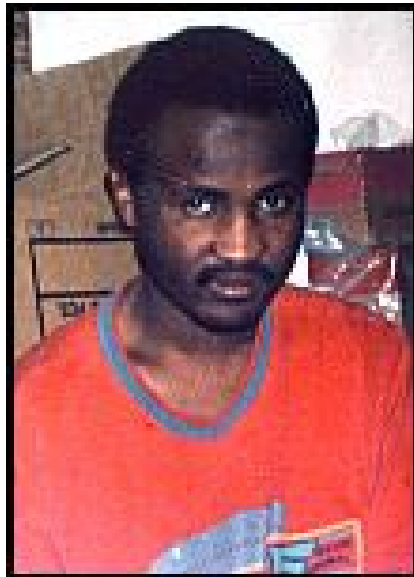


خیابانها از آن ما هستند، فتحشان باید کرد!



احمدو دیالو

روز ۴ فوریه ۱۹۹۹، ۴ پلیس "احمدو دیالو"، یک پناهنده آفریقایی را جلوی خانه‌اش در شهر نیویورک به قتل رساند. دیالو یک جوان ۲۱ ساله و کارگر دستفروش بود. او بعد از ۱۲ ساعت دستفروشی تازه به خانه‌اش برگشته بود. آن ۴ پلیس عضو "واحد ضد جرم خیابانی" بوده‌اند. ۴۱ بار به دیالو شلیک کردند و ۱۹ بار او را به گلوله بستند. بعد از این قتل، پلیس آپارتمان‌اش را زیر و رو کرد و از هم‌خانه‌اش بازجویی کرد که "اطلاعاتی" پیدا کند تا شاید بتواند ترورش را در میان افکار عمومی توجیه کند.

اعضای "واحد ضد جرم خیابانی" منطقه‌های فقیر و کارگری در نیویورک را ویران کرده‌اند. بر "تی‌شرت" این مزدوران نوشته شده است: "ما مالک شیم". جمله دیگر بر پیراهنشان از رمان "همینگوی" نقل قول می‌کند: "مطمئننا هیچ شکاری مثل شکار انسان نیست، و آنهایی که برای مدتی انسانهای مسلح را شکار کرده و لذت برده‌اند، به هیچ چیز دیگری علاقمند نمی‌شوند." با این فرهنگ خشونت‌بار و ضد انسانی، تعجب‌آور نیست که ۳ تن از این ۴ پلیس، تحت بررسی برای یک قتل دیگر، یا ۳ تا ۵ شکایت دارند.

بخاطر اعتراضات بی‌سابقه‌ای که از دهه ۶۰ کمتر مشاهده شده بود، روز ۳۱ مارس ۱۹۹۹، آن ۴ تن متهم به قتل شده و از نیروی پلیس موقتا اخراج گردیدند. خشم مردم بعد از سالها به اوج رسید و بیش از ۱۲۰۰ نفر بازداشت شدند. طی یک تظاهرات کم نظیر در تاریخ ۱۵ آوریل شهر نیویورک شاهد اعتراض بیش از ۱۰۰۰۰ نفر بود. بخاطر این اعتراضات "واحد ضد جرم خیابانی" باید اونیفورم به تن کند و راسیسم عمل تفتیش و جستجو از رنگین پوستان (که شامل صدها هزار تن شده است) در حال بررسی است. در مقابل، با اعتراضات هر دم فزاینده مردم، دولت اعلام "رفرم" کرده است. دولت با چنین "امتیازاتی" امیدوار است خشم مردم را کنترل کرده و آنها را روانه خانه کند. اما دادن کارت جیبی به پلیس برای یادآوری که باید هنگام خشونت "مودب باشد"، رفرم نیست. "پارآموزی در ادب و فرهنگهای گوناگون" جان انسانها را نجات نخواهد داد. "اضافه شدن ۵۰ پلیس

تشکیل شده است. هر کسی که فقیر و کارگر و رنگین پوست است می‌داند که آن ۴ پلیس و واحد حفاظت، نیروی غیر قابل کنترل نیستند که قانون را رعایت نمی‌کنند. هر کسی که کتک خورده، بازرسی شده، توهین گردیده، خفه شده، دستبند زده شده، و تفنگ به رویش کشیده شده است یا حتی برای مشکل رانندگی توقیف شده باشد، میدانند که مشکل فقط "چند سیب بد" در اداره پلیس نیست.

در حالی که سعی بر این است پلیس را یک ارگان عمومی و غیر سیاسی که از جامعه دفاع می‌کند نشان دهند، اما نقش این ارگان در حمایت از طبقه حاکم واضح است. نشانروی این باند جنایتکار همیشه طبقه کارگر و قشر فقیر بوده که مجرم و بی‌ارزش شناخته می‌شوند.

در سالهای ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸، حدود ۵۰ درصد مردمی که توسط پلیس کشته شده‌اند سیاه، ۳۴ درصد "هیسپانیک" (از آمریکای لاتین) و ۱۵.۵ درصد سفید بوده‌اند. مرجع شکایت از پلیس که با آنان رابطه دارد، هزاران شکایت در مورد خشونت پلیس دریافت کرد که ۷۵ درصد شاکیان رنگین پوست بودند. اگر تحقیقاتی در مورد طبقه قربانیان بعمل می‌آمد، حتما ۱۰۰ درصد آنان از طبقه کارگر و اقشار فقیر خواهند بود. به همین دلیل است که به راحتی دیالو به رگبار بسته می‌شود. به همین دلیل است که صدها پلیس که در ضدیت به اعتراضات مردم تظاهرات می‌کردند، به معترضین فریاد می‌زدند: "بروید و کار کنید".

یک پلیس در این تظاهرات گفت: "ما با این فکر نمی‌رویم که به کسی شلیک کنیم. ما می‌رویم که از جان و مالکیت دفاع کنیم." ما می‌دانیم که دفاع از جان، شامل جان دیالوها نیست. در حقیقت، پلیس از مالکیت و جان آنانی که مالک هستند دفاع می‌کند.

به اعتراضات ادامه‌دار علیه خشونت پلیس پیوندید. خیابانها از آن ماست، فتحشان باید کرد.

**مریم نمازی، معاون دبیر همبستگی -
فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی
۱۴ آوریل ۱۹۹۹**

رنگین‌پوست" به این واحد فقط به آنان نیرو اضافه خواهد کرد. "آموزش بهتر" فقط تضمین می‌کند که بهتر سرکوب خود را ادامه دهد. گلوله انفجاری که قرار است جایگزین گلوله‌های فعلی شوند، فقط زودتر خواهند کشت و برای قربانیان بیشتر درد آور خواهند بود. (متهمین به قتل گفته اند چون دیالو بر زمین نمی افتاد آنها فکر می کردند گلوله‌ها به او اثبات نکرده اند). "واحد ضد جرم خیابانی" بخصوص بعد از گرفتن اضافه مزد و ترفیع درجه هنوز گشت می زند و ویران می کند. قانون ۴۸ ساعته هنوز به آن دسته از پلیسهایی که متهم به خشونت اند وقت می‌دهد تا قبل از تحقیق حقوقی به تکمیل سناریوی خود بپردازند. در مقابل، اعتراض مردم باید ادامه داشته باشد تا تغییرات واقعی و رفرم بدست بیاید. مبارزه برای رفرم مبارزه‌ای است برای تغییر و بهبود قانون. ما باید خواهان منحل شدن "واحد ضد جرم خیابانی" باشیم، منحل شدن قانون ۴۸ ساعته برای پلیس و از بین رفتن هر نوع رابطه بین دولت و پلیس با ارگانهایی که شکایت می‌گیرند. ما باید خواهان منحل شدن پلیس مسلح در خیابانهایمان باشیم.

جولیانی (شهردار شهر نیویورک) می‌گوید "قبول نمی‌کنم که پلیس نامناسب عمل می‌کند. معلوم است که برای اربابانشان نامناسب عمل نمی‌کنند. اداره پلیس چیزی جزء باند مسلح مزدوران نیست که برای حفظ منافع طبقه حاکم